

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم و فنون ادبی (۲)

رشته های ادبیات و علوم انسانی ... علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: علوم و فنون انسی (۲) پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۳
- پدید آورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حسین قاسم‌پور ققتم، رضا مراد صحرانی، عباسعلی وفائی، سبیل‌ا سلامی ققتم، مریم عاملی رضائی، شهین نعمت‌زاده، مریم دانشگر، محمدرضا سنگری، شهناز عبادتی، حجت حساری کجانی، نادر یوسفی و محمد نورپایان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: حسین قاسم‌پور ققتم، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم‌داری، فریدون اکبری شادرو، غلامرضا نعمرانی، علی‌اکبر کمالی نهاد و علی واسوچویباری (اعضای گروه تألیف) - حسین داودی (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی شتابه‌افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه یاقوتی‌نیا (صفحه‌آرا) - مرغیه اخلاقی، سیف‌الله‌بیک محمد نابوند، حسین قاسم‌پور ققتم، کبری اجابتی، مریم دهقان‌زاده و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶-۵، دورنگار: ۹۱۲۶۶-۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹
- چاپخانه: وبسایت: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- سال انتشار و تئویت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (نارویحش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپ اول: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سپاسی خاص» چاپ اول ۱۳۹۶

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۸-۹

ISBN: 978-964-05-2768-9



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و تقوا
و سازندگی خودشان صرف
کنند که اشخاصی امین و
صالح بشوند. مملکت ما
بالتخاص امین می‌تواند
مستقل باشد.

اعلام خمینی رهبر

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

- ۴ پیشگفتار: سخنی با دبیران ارجمند
- ۵ ستایش: الهی
- ۱۱ فصل یکم:
- ۱۲ درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷ و ۸ و ۹
- ۲۱ درس دوم: پایه‌های آوایی
- ۲۸ درس سوم: تشبیه
- ۳۴ کارگاه تحلیل فصل
- ۳۷ فصل دوم:
- ۳۸ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۷ و ۸ و ۹ (سبک عراقی)
- ۴۴ درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)
- ۵۳ درس ششم: مجاز
- ۵۷ کارگاه تحلیل فصل
- ۵۹ فصل سوم:
- ۶۰ درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱
- ۶۵ درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۳)
- ۷۳ درس نهم: استعاره
- ۷۹ کارگاه تحلیل فصل
- ۸۱ فصل چهارم:
- ۸۳ درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)
- ۹۰ درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دو لختی
- ۹۷ درس دوازدهم: کنایه
- ۱۰۲ کارگاه تحلیل فصل
- ۱۱۰ نیایش
- ۱۱۱ منابع



پیشگفتار

سخنی با دبیران ارجمند

برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد؛ چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است. ادب و فرهنگ ایران اسلامی، عصارهٔ افکار و اندیشه‌های ملتی فرهیخته و دانشور است که در نشیب و فراز حادثه‌ها، با تکیه بر باورهای ریشه‌دار خویش، میراثی ارجمند و گران سنگ را به یادگار گذاشته است. توانایی و مهارت در خوانش، بررسی و تحلیل این آثار ارزشمند، خواننده را با گنجینهٔ گران‌بهای متون ادبی گذشته و امروز آشنا می‌سازد و او را به سیر و سلوک در آفاق روشن و گستردهٔ معرفت و حقیقت توانمند می‌نماید. برای تحقق این هدف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، بایسته و شایسته است دانش آموزان ضمن آشنا شدن با علوم ادبی، در فنون ادبی نیز مهارت لازم را کسب کنند تا از این طریق بتوانند در زندگی خود با آثار ادبی برخوردی مناسب داشته باشند.

بر این اساس، کتاب علوم و فنون ادبی پایهٔ یازدهم، از چهار فصل تشکیل شده است. محتوای هر فصل نیز شامل سه درس به صورت ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است:



■ **درس یکم:** تاریخ ادبیات یا سبک شناسی؛

■ **درس دوم:** موسیقی شعر؛

■ **درس سوم:** زیبایی شناسی شعر.

هر فصل با درس تاریخ ادبیات یا سبک شناسی آغاز می‌شود. در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی از قرن هفتم تا یازدهم تبیین می‌شود و در کنار ویژگی‌های تاریخی، به ویژگی‌های سبکی آثار نظم و نثر ادبی نیز پرداخته می‌شود. به این ترتیب خواننده با ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری متون ادبی آشنا می‌شود. بدین ترتیب در هر فصل بعد از تاریخ ادبیات یا سبک‌شناسی، یک درس عروض آموزش داده می‌شود تا خواننده با یادگیری آن بتواند در برخورد با متون نظم وزن آن را تشخیص دهد، سپس درس سوم هر فصل به زیبایی شناسی می‌پردازد. در زیبایی شناسی دانش آموز با سطحی دیگر از قلمرو ادبی؛ یعنی با عناصر علم بیان (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) آشنا می‌شود و آموخته‌هایش را در متون ادبی به کار می‌بندد.

برای تعمیق آموخته‌ها مجموعه فعالیت‌هایی در متن و پایان درس‌ها و فصول طراحی و تدوین شده است. فعالیت‌های متن درس مطالب خاصی را در حین آموزش دنبال می‌کند. فعالیت‌های پایان دروس دانش آموز را به کسب مهارت در فنون ادبی آموخته شده ترغیب می‌کند. فعالیت‌های پایان فصول نیز با عنوان کارگاه تحلیل، نمونه‌هایی در اختیار خواننده می‌گذارد تا موارد آموخته شده در کل فصل را به طور عملی به کار بندد. نمونه‌های طرح شده در فعالیت‌ها، برگرفته از متون ادبی است و با محتوای درس کاملاً پیوسته است که انجام دقیق این تمرین‌ها به درک و فهم بهتر متن، کمک می‌کند.

به همین منظور و برای اثربخشی بهتر فرایند آموزش، توجه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

■ **رویکرد خاص برنامه فارسی آموزی، رویکرد مهارتی است؛** یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره



ابتدایی، دوره متوسطه اول و پایه دهم است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

■ رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحان و به‌کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

■ با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد: کالبد شکافی عملی متون است. در این بخش فرصت می‌یابیم تا متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم فراگیران را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبد شکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

۱. قلمرو زبانی

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این رو، آن را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم: الف) سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، نوع ساختمان (ساده، مشتق و مرکب)، روابط معنایی کلمات از قبیل ترادف، تضاد، تضمین، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی می‌شود. ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستوری تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

۲. قلمرو ادبی

در اینجا، شیوه نویسنده در به‌کارگیری عناصر زیبایی آفرین در سطح‌های زیر، بررسی می‌شود: الف) سطح آوایی یا موسیقایی: در این مرحله، متن را از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی مثل واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس، و ... بررسی می‌کنیم. ب) سطح بیانی: بررسی متن از دید مسائل علم بیان نظیر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه؛



پ/سطح بدیع معنوی: بازخوانی متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظیر و ...

۳. قلمرو فکری

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، بررسی می‌شود.

■ در آموزش، به‌ویژه، در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش‌آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد.

امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده‌سازان ایران عزیز بینجامد.



گروه زبان و ادبیات فارسی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

www.literature-dept.talif.sch.ir



ستایش

الهی!

الهی شعله شوقم فزون ساز
الهی ذره‌ای آگاهی‌ام بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز
عطا کن جذبه شوق بلندی
خرد را چاشنی بخش از کلامم
دل‌م را چشمه نور یقین ساز
مرا آتش کن و در عالم انداز
رهم بنما و بر گمراهی‌ام بخش
چراغ چشم ادراکم برافروز
که نه دامی به ره مانند نه بندی
زیان را چرب و شیرین کن به کامم
در این تاریکی‌ام باریک‌بین ساز

(محمد طالب آملی، ۱۰۳۶ - ۱۳۹۷ هـ. ق.)

فصل یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷ و ۸ و ۹

درس یکم

پایه‌های آوایی

درس دوم

تشبیه

درس سوم

کارگاه تحلیل فصل

درس چهارم

درس یکم

تاریخ ادبیات فارسی
در قرن هفتم هجری

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های اولیهٔ هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم‌کم «سبک عراقی» پدید آمد.

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۲۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هـ. ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب‌های عمده‌ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم‌الدین گبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول، کشته شدند. کمال‌الدین





اسماعیل، مداح جلال‌الدین خوارزمشاه که خود در سال ۶۳۵ هـ. ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد، دربارهٔ قتل عام سال ۶۳۳ هـ. ق. مغولان در اصفهان می‌گوید: کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تپاه مردم بدگرید دی بر سر مرده بی دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید با حملهٔ ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانهٔ تیمور و حکومت ظالمانهٔ این دو، نه تنها بناها و آبادانی‌ها، بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تپاه و ویران گردید و دوستانان فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوّف پناه بردند تا به آرامش برسند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی، ترویج روحیهٔ تسامح^۱ و تساهل^۲، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.

در اواخر دورهٔ مغول، بساط حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی (المستعصم بالله) برچیده شد و با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی و نگارش به آن از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان تودهٔ مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد (این امر از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به‌طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ...) بودند.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چچرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره

۱. مدارا

۲. آسان گرفتن بر یکدیگر



عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از **خراسانی** به **عراقی** ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر، نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کم‌رنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

نثر در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی: «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر: «پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود. معروف‌ترین شاعران و نویسندگان این دوره:

مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی، از شاخص‌ترین شاعران عارف است، که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در مثنوی معنوی و دیوان شمس، بسیاری از معارف بشری و مسایل عرفانی را بیان کرده است.



سعدی، فرمانروای ملک سخن، سی و پنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید و گلستان را به نثر مسجع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن‌گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد شاعران و نویسندگان فارسی زبان است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

فخرالدین عراقی از دیگر شاعران نام‌آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است و در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی (معروف به نجم‌دایه) از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره است. او کتاب مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد، در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا بر خوردار است.

عطاملک جوینی از نثرنویسان این دوره است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او



جامع التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربیع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است. **شمس قیس رازی** از نویسندگان زبردست این دوره است و اثر معروفش، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است که نثری ساده و عالمانه دارد.

قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن اینکه مناطقی مثل مرکز ایران (عراق عجم)، به‌ویژه شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به‌شمار می‌رفت.

از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی‌تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی را در پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجه و حافظ، به سستی گرایید.

خواجوی کرمانی از غزل‌پردازان برجسته این دوره است؛ شاعری که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده، آنجا که سروده است:

استاد سخن سعدی است زده همه کس؛ اما دارد سخن حافظ طرز غزل خواجه
خواجو چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان‌دهنده استادی او در شاعری است. شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.

ابن‌یمین؛ شاعر عصر سرداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در



قطعات اخلاقی آشکار کرده‌است. وی در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد:

مرد آزاده در میان گروه گر چه خوش‌خو و عاقل و داناست،
محترم آنگهی تواند بود که از ایشان به مالش استغناست
وان که محتاج خلق شد، خوار است گر چه در علم، بوعلی سیناست

حافظ از شاعران سرآمد این قرن است. او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است. در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

سلمان ساوجی از دیگر شاعران این دوره است که در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته و دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است. مثنوی جمشید و خورشید او به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.

عبید زاکانی شاعر خوش ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که نامایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی‌تابت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

او در منظومه موش و گربه ناهنجاری‌های اجتماعی را به‌خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است. این شوخ‌طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و رساله دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صدپند از آن جمله‌اند.

حمدالله مستوفی از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب تاریخ گزیده است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ هـ. ق. در بر می‌گیرد.





قرن نهم

بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حملهٔ بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن بنیهٔ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیلهٔ تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه پس از حملهٔ مغول سالم یا نیمه سالم مانده (مثل فارس) و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت. تیموریان تقریباً از نیمهٔ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت. البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهایی چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز به همان اسلوب ساده رواج یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود. بایسنقر میرزا پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

جامی، معروف‌ترین شاعر این قرن؛ کتاب بهارستان را به سبک گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات‌الانس خود نیز شیوه تذکرة‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفة‌الاحرار یکی از آنهاست:



گفت به مجنون صنمی در دمشق، کای شده مستغرق دریای عشق،
 عشق چه و مرتبه عشق چیست؟ عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
 عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس گفت که ای محو امید و هراس،
 نیست به جز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس

شاه نعمت‌الله ولی از دیگر شاعران این دوره است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسله صوفیان نعمت‌اللّهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولت‌شاه سمرقندی از نویسندگان این قرن است که تذکرة دولت‌شاه را به تشویق امیرعلی شیرنوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

جلال‌الدین دوانی دیگر نویسنده این قرن است. کتاب اخلاق جلالی که موضوعش اصول اخلاقی است، یکی از آثار اوست.

خودارزیابی



- ۱ حمله مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟
- ۲ دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.
- ۳ شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.
- ۴ فکر و اندیشه غالب بر آثار مولانا جلال‌الدین را بیان کنید.
- ۵ چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.
- ۶ کدام یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟

۷ جدول زیر را تکمیل کنید:

موضوع و محتوا	نوع نشر کتاب	نام نویسنده	
			گلستان
			مرصاد العباد
			تاریخ جهانگشا



درس دوم

پایه‌ها روایر

به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدن واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید:



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌ای نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه‌سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند، که معمولاً، گوش‌نواز و دلنشین‌اند.

کلام ادبی یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ همسنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید



بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم تا سبک و سنگینی بار آوایی آن را درک کنیم و در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم. بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساریان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود و آن دل که با خود داشتیم، بادل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مه‌جور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور، از او در استخوانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تند می‌کن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود

سعدی

اکنون همین شعر را با چینش جدید، بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن، احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای ساریان	آهسته ران	کارام جانم	می‌رود
و آن دل که	با خود داشتیم	بادل ستانم	می‌رود

بدانسان که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. خانه‌ها، به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، پایه یا رکن عروضی می‌گویند. پایه‌ها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. وزن شعر در حقیقت حاصل چینش به‌سامان این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است. وزن از توالی چند ضرب آهنگ تولید می‌شود که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام، به کار می‌رود. اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

۱ هرکه چیزی دوست دارد، جان و دل بروی گمارد

هرکه محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد

سعدی

هَرکِ چی زی	دوست دا زد	جانِ دلِ بر	وی گم ما زد
هَرکِ میج را	بش ت با شی	سر ز خَل وِت	بَرِن یا زد

۲ ز کوی یار می آید، نسیم باد نوروزی
از این باد ارمدد خواهی، چراغ دل بر افروزی

حافظ

ز کوی یا	رمی آید	ن سی م با	دِ نوروزی
آزین با دَر	مَدَدِ خاهی	چِ راغِ دل	بَ رَفِ روزی

۳ خدایا تو دانی که بر ما چه آمد
خدایا تو دانی که ما را چه می شد؟

مولوی، غزلیات شمس

خُ دا یا	تُ دانی	کِ بر ما	چِ آمد
خُ دا یا	تُ دانی	کِ ما را	چِ می شد

۴ یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا
یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

یار مَ را	غار مَ را	عشِ فی چِ مَ ر	خا ر مَ را
یار تُ بی	غار تُ بی	خا چِ نِ مَ	دا ر مَ را

۵ دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

حافظ



دل می زود	ز دس تم	صاحب دلان	خُ دا را
دردا کی را	زین هان	خا هده شُ دا	ش کا را

با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، درمی‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. پی هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد.

چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت از موسیقی متن، می‌شود.

خودارزیابی



۱ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو

بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

مولوی

.....	درد باغ شا
.....	شادی خُ رد

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده

وحشی یاقفی

.....	خج بین نه
.....	ز یا تم را



(پ) اسپرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند

سعدی

.....	رَها یی
.....	نَ جو یَد

(ت) عنکبوتی رابه حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد

عطار

.....	را بِ حِک مَت
.....

(ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

حافظ

.....	بَ رَ فِ شَا نِی
.....	مُ طَر حِی نُو

۲ با خوانش درست بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید.

(الف) یا رب از عرفان مرا پیمان‌های سرشار ده چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده

صائب تبریزی

(ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پیش گوش دارد کسی

سعدی

پ باران اشکم می دود و ز ابرم آتش می جهد
با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

سعدی

ت هر کسی را سیرتی بنهاده‌ام هر کسی را اصطلاحی داده‌ام

مولوی

ث مرا گه گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید

فخرالدین عراقی

۲ با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید.

الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم

حافظ

من کی دارم	در گدایی	نی پ دست
کی طمع در	ور ک تم

ب) من امشب آمدستم وام بگذارم حسابت را کنار جام بگذارم

اخوان ثالث

.....	م نیم شب آ
م بگ دارم	کی نار جا



پ) دلبر جانان من برد دل و جان من دلبر جانان من برد دل و جان من

حافظ

جانِ مَن	ناي مَن	دل بَ رجا
.....

۴ پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.





شاعران و نویسندگان به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید.	۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲. مروارید باران از چشم ابر چکید. ۳. بهاران که شباش ریزد سپهر / به دامان گلشن ز رگبارها
خورشید طلوع کرد.	۱. گل خورشید شکفت. ۲. پادشاه مشرق چهره نمود. ۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.



از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم‌ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

اکنون این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

گلستان سعدی

در این نمونه نویسنده با برابر نهادن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم مانند کرده است و ویژگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. برقراری رابطه همانندی میان دو چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند. بهره‌گیری از تشبیه، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا

مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است. تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱ مشبیه:

پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «ایام گل» در مصراع زیر:

ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

حافظ

۲ مشبیه به:

پدیده‌ای است که مشبیه را به آن مانند می‌کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:

تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید.

سعدی





۲ وجه شبیه:

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که در مشبّه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در مصراع زیر:

گرت ز دست برآید چو نخل باش، کریم.

گلستان سعدی

۴ ادات تشبیه:

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به‌سان، به‌کردار و... از این دسته‌اند، برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ادات تشبیه‌اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است

مولوی

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص کنید:

● بلم آرام چون قویی سبک‌بار به نرمی بر سر کارون همی رفت

فریدون توللی

● شب در تمام پنجره‌های پریده‌زنگ

مانند یک تصوّر مشکوک

پیوسته در تراکم و طغیان بود.

فروغ فرخزاد

● و او به شیوهٔ باران پر از طراوت تکرار بود.

سهراب سپهری

انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.





الف) گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه‌به ضروری است؛ اما وجه‌شبهه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست /
گریبفروزش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست /
و رنه خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش گسرازی

در این تشبیه سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات حذف شده است. نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سبز می‌ایستد.

منوچهر آتشی

مثال دیگر:

سینه باید گشاده چون دریا تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز

هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا چهار رکن وجود دارد.

ب) تشبیه فشرده

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت:

ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیاست، تو چراغ دینی.

کشف الاسرار میبیدی

حذف وجه شبهه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه رسا (بلیغ) نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.



تشبیه فشرده گاه به صورت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) و گاه به صورت غیر ترکیبی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیر ترکیبی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند): برای مثال:

کیمیای سعادت (ترکیب اضافی)

سعادت، کیمیا است. (غیر ترکیبی)

در مثال‌های زیر:

الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

حافظ

ب) آتش خشم اول در خداوند خشم افتد؛ پس آنگه زیانه به خصم رسد یا نرسد.

گلستان سعدی

وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند. چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سعدی

نگارش دهد گلین جویبار در آینه آب رخسارها

علاوه طباطبایی

او را خود التفات نبودی به صید من من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

سعدی



خود ارزیابی

۱ در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده و گسترده را بیابید و پایه‌های آنها را مشخص نمایید:

الف) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو بیالی و گر چو ابر بگیریم، تو همچو غنچه بخندی
خواجوی کرمانی

ب) پیش کمان ابرویش لابه همی کنیم؛ ولی
 گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی‌کند

حافظ

ب) دل گرفتار بالای عشق توست جان شهید کربلای عشق توست

وفایی

۲ وجه شبه را در شعرهای زیر مشخص کنید:

الف) صدا چون بوی گل در جنبش آب به آرامی به هر سو پخش می‌گشت

فریدون تولی

ب) نفس کز گرم‌گاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت،

نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

مهدی اخوان ثالث

۳ دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:

الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،

تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،

زنگ باران به صدا می‌آید.

سهراب سپهری



(ب) هر چه به گرد خویشتن می‌نگرم در این چمن
آینه ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان

هوشنگ ابتهاج

۴ نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید:

(الف) اگر ای عشق پایان تو دور است دلم غرق تمنای عبور است
برای قد کشیدن در هوایت دلم مثل صنوبرها صبور است

سلمان هراتی

(ب) زمین چوسینه سهراب زیر جوشن برگ
فرو نشسته در آن ناوک صنوبر وغان

علی موسوی گرمارودی

(ب) مانند پنبه‌دانه که در پنبه تعبیه است
اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

کمال‌الدین اسماعیل

۵ در اشعار زیر مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.

(الف) پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید،

چون پرافشان پری‌های هزار افسانه‌ای از یادها رفته

مهدی اخوان ثالث

(ب) روز چوشمعی به شب زود رو و سرفراز
شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب

خاقانی

۶ تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر دارای کدام یک از پایه‌های تشبیه‌اند؟

(الف) مرا، کز جام عشقت مست گشتم
وصال و هجر یکسان می‌نماید

فخرالدین عراقی

(ب) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد
اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد

سعدی



ب خانه دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

شیخ بهایی

ت حریر باورم از شعله ندامت سوخت که بر گوهر عطشناک نیستم چون ابر

مشفق کاشانی

۷ در هر یک از نمونه‌های زیر ادات تشبیه را مشخص کنید:

الف مرا در دل درخت مهریانی به چه ماند؟ به سرو بوستانی

فخرالدین اسعد گرگانی

ب آورده‌اند که در ناحیت کشمیر متصدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

کلیله و دمنه

پ هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

کمال‌الدین اصفهانی

۸ در اشعار ذکر شده در خودارزیابی‌های درس ۳ ابیاتی را که مربوط به شاعران

قرن‌های ۷ و ۸ و ۹ است، بیابید و بگویید کدام نوع تشبیه (گسترده یا فشرده) در آنها بیشتر است؟

۹ در بیت:

«چو دریای خون شده دشت و راغ جهان چون شب و تیغها چون چراغ»

فردوسی

پایه‌های آوایی را مشخص کنید؛ سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده و هر پایه را در خانه خود قرار دهید.



کارگاه تحلیل فصل

۱ متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی‌شناسی بررسی کنید:

«پس از ابرکرم، یاران محبت بر خاک آدم یارید و خاک را گل کرد و به ید
قدرت در گل از گل دل کرد.»

مرصع‌العباد

۲ با توجه به آموخته‌های فصل یکم، شعر زیر را بررسی و تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم	دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
دیدۀ سیر است مرا، جان دلیر است مرا	زهرۀ شیر است مرا، زهرۀ تابنده شدم
گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری	شیخ نی ام، پیش نی ام؛ امر تو را بنده شدم
گفت که با بال و پری، من پروبال ندهم	در هوس بال و پرش بی پروا پرکنده شدم
چشمۀ خورشید تویی؛ سایه گه بید منم	چون که زدی بر سر من یست و گدا زنده شدم
شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک	کز کرم و بیخشش او روشن و بیخشنده شدم
شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق	بر زیر هفت طبق، اختر رخشنده شدم

مولوی



فصل دوم

درس چهارم سبک‌شناسی قزن‌های ۷، ۸ و ۹ (سبک عراقی)

درس پنجم پایه‌های آوایی همسان (۱)

درس ششم مجاز

• کارگاه تحلیل فصل

درس چهارم

سبک عراقی

سبک عراقی چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم

ویژگی‌های سبک عراقی

الف) شعر در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری

۱. **زبانی:** برخی از ویژگی‌های زبانی شعر این دوره عبارت‌اند از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
 - لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
 - «می» اندک‌اندک جای «همی» را گرفته است؛
 - «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه‌های «ایدون، ایدر، آیا، اَبر و...» بسیار اندک به کار می‌روند؛
 - به‌کارگیری حرف نشانه «مَر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی سبک عراقی همین درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می‌شود.





۲. ادبی: برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت‌اند از:

- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردیده است؛
- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شده است؛
- شعر این دوره از دربار خارج شده؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد.

۳. فکری: برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیرند:

- فکر نیز در این دوره با تأثیرپذیری از مسایل سیاسی و اجتماعی دست‌خوش تغییر شده است؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود؛ ولی در شعر این دوره، این مقام‌اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز داشتن به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و همچنین باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد و برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا، اعتقاد به قضا و قدر و اینکه هر چه از دوست می‌رسد، نیکوست رواج بیشتری می‌یابند.
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی‌گرایی	غم‌گرایی
وصال	فراق



واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی‌بودن معشوق	آسمانی‌بودن معشوق
بازتاب‌اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

ب) نثر در قلمرو زبانی، ادبی و فکری

۱. زبانی: در این قلمرو ویژگی‌های زیر شاخص‌ترینند:

● نثر فنی کم‌کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطره تیموریان بر ایران از میان می‌رود، تا آنجا که نثر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد. به عکس جریان‌هایی که در قرن ششم مرسوم بود و نویسندگان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می‌نوشتند. در این دوره برخی نویسندگان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند؛ چنان‌که ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی در ۹۱۰ هـ. ق.) کلیده و دمنه را به انشای دوره خود بازگرداند و آن را «انوار شهیلی» نامید.

● تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج می‌یابد، هر چند نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ‌های این دوره یافت می‌شود. در مقدمه کتاب ظفرنامه شامی، که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور است، می‌خوانیم: «امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامه مردم بفهمند.» تاریخ‌نویسی از همان اوایل دوره مغول، به سبب علاقه شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دوره تیموری هم ادامه یافت. حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه جا یکسان نیست و نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.



● از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره داخل شدن لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دوره تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان فارسی دیری نپایید، سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوایی در حوزه ادبی هرات ترکی‌گویی و ترکی‌نویسی را تشویق می‌کردند و خود امیرعلی شیر چند کتاب از جمله «محاكمه اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت، اینان شعر ترکی هم می‌گفتند، نمونه‌ای از این کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌اند:

بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرمسیر)، قشون (ارتش)، یورش (هجوم) و...

● به‌وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

۲. ادبی

● بعد از سقوط بغداد به‌دست هلاکوه، زبان عربی در تمام ممالک اسلامی و حتی در میان خود اعراب دچار انحطاط شد، در زبان فارسی نیز از سیطره و نفوذ زبان عربی کاسته شد و هر چند فراگیری زبان عربی به سبک قدیم مرسوم بود، ادبای بزرگ، دیگر آثار خود را به عربی نمی‌نوشتند.

● در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعدادهای بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، بیشتر به ظاهرسازی و به صنایعی مثل معمّاپردازی، سرودن اشعار ذوقافیتین و از این قبیل روی آوردند.

۳. فکری

● به علت کشتن یا مثنواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.



- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن حوزه‌های علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان سستی یافت.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ ناگزیر در این دوره، کتاب عرفانی معتبری نوشته نشد.

خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد	گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
گفت من: «گفتش» برو هنگام نیست»	بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق	کی بزد کی وا رهاند از نفاق؟
رفت آن مسکین و سالی در سفر	در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد آن سوخته؛ پس باز گشت	باز گرد خانهٔ انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب	تا بنجهد بی‌ادب لفظی ز لب
بانگ زد یارش که «بردر کیست آن؟»	گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مشنوی معنوی مولوی

الف) دو مورد از ویژگی‌های زیبایی آن را بنویسید.

ب) ویژگی فکری حاکم بر آن چیست؟

پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول صفحه بعد بنویسید:



تقطیع هجایی مصراع یکم

تقطیع هجایی مصراع دوم

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

چنین گفت رستم به آواز سخت	که ای شاه شادان دل و نیک بخت
اگر جنگ خواهی و خون ریختن	بر این گونه سختی بر آویختن،
بگو تا سوار آورم زابلی	که باشند با خنجر کابلی
بر این رزمگه شان به جنگ آوریم	خود ایدر زمانی درنگ آوریم ...

فردوسی

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد	یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار	صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل	شاید که چو وایسی، خیر تو در این باشد
هرکاو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز	نقشش به حرام‌ار خود، صورتگرچین باشد

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس یک تشبیه فشرده و یک تشبیه گسترده بیابید و پایه‌های آن را مشخص کنید.

آتش است آب دیدهٔ مظلوم	چون روان گشت، خشک و تر سوزد
تو چو شمعی از او هراسان باش	که اول، آتش ز شمع سر سوزد

سیف فرغانی

۵ پایه‌های آوایی را در شعر فردوسی (خودآزمایی ۳) مشخص نمایید.



پایه‌های آوای همسان (۱)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:
 درین درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی
 چه صحرایی، چه خضری، چه درگاهی، نمی‌دانم

مواوی

تُ مَوْ زُونِی	هَ بَی چُونِی	هَ مِ لُطْفَسِ	دَرِین دَرگَا
نِ مِی دَانِم	چِ خَضْرَا یِی	چِ دَرگَا هِی	چِ صَحْرَا یِی

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم.





وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌هایی بخش کردیم، ساده‌ترین است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل آوایی هریک از آنها را بیاوریم. معادل‌ها و نمادهای آوایی این پایه‌ها را «وزن واژه» یا «اسم رکن» می‌نامیم.

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است، که هر پایه آن از یک خوشهٔ هجایی (یک هجای کوتاه و سه هجای بلند، برابر U ---) تشکیل شده است.

پایه‌های آوایی	ذَ رین دَر گَا	ه بی چو نی	هَم ا لُ ط فِ س	تُ موز نی
وزن واژه (اسم رکن)	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U ---	U ---	U ---	U ---

هر مصراع این بیت، از چهار پایهٔ همسان «مفاعیلن» (ت تن تن تن) تشکیل شده است. به نمونهٔ زیر توجه کنید.

خداوندا، شِیم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان

نظامی

خُ د ا و ن د ا	شِ یم را رو	ز مَ گردان
چُ روزم بَر	چَ جهان بی رو	ز مَ گردان

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

۱. «د» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم تاهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. این کاربرد آوایی به‌ضرورت شعری پدید می‌آید.



زَجر دان	شَدیم را رو	خُدَا وَنِ دا	پایه‌های آوایی
زَجر دان	خَدهان پی رو	جُ رو زَمِ بر	
مفاعلی	مفاعیلین	مفاعیلین	وزن واژه
— — U	— — — U	— — — U	خوشه‌های هجایی

پس از مقایسهٔ این بیت با نمونهٔ پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها، متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است. گاهی فضای آوایی به گونه‌ای سامان می‌یابد که بافت موسیقایی شعر، کوتاه‌تر می‌شود و یکی از پایه‌های آوایی کاسته می‌شود. در چنین مواردی گاه «وزن واژه» هم، دچار دگرگونی می‌شود و یک یا چند هجا از پایان آن، می‌افتد. اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید:

روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

قائم مقام فراهانی

رو زِ گارس	تین بک گه عز	زَت دَهَد گه	خا ر دا رَد
چرخ با زی	مگر آ زین با	زی چ ها پس	یا ر دا رَد

هر مصراع این بیت از چهار پایهٔ همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین، تفاوت دارد.

به پایه‌های آوایی، وزن واژه‌ها و خوشه‌های هجایی هر پایهٔ این بیت، دقت کنید.



پایه‌های اولی	روزگار س	تین کج گه عیز	زت دَهد گه	خار دا زد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	- ل- -	- ل- -	- ل- -	- ل- -

همان گونه که آورده‌ایم، وزن واژه این بیت «فاعلاتن (تن ت تن تن)» است،
نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم

مولوی

پایه‌های اولی	مَن بِ هَر جَم	عِی تِی نا	لَان شُ دَم
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	- ل- -	- ل- -	- ل- -

در این بیت نیز به جای چهار پایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است.

برخی از وزن واژه‌های شعر فارسی عبارت‌اند از:

فاعلاتن (-U-)	مفاعیلن (-U-)	فعولن (-U)
مفتعلن (-UU-)	فعلاتن (-UU)	مستفعلن (-U-)





خودارزیابی

۱ برای هر یک از موارد زیر وزن واژه مناسب بنویسید و خوشه هجایی آن را مشخص کنید: (مانند نمونه)

خوشه هجایی	وزن واژه	نمونه
لَا _ _	فعلون	کیوتر
.....	می نوشتیم
.....	دریا دلان
.....	تمی دائم
.....	دری بگشا
.....	بامدادی
.....	با ادیان
.....	کجایی

۲ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه هریک را در خانه‌ها جای دهید.

(الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود به هم کردند و عشقش نام کردند
عراقی

			پایه‌های
			آوایی
			وزن واژه



ب) چه خوش صید دل‌م کردی بنازم چشم مست را
که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی‌گیرد.

حافظ

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه

پ) تا نگردی بی‌خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان

عطار

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه

۳ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید.

الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

سعدی

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی



(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

وحشی بافقی

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی

(پ) سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

حافظ

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد به سان فاخته کوکو همی زد

فدایی مازندرانی

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی

۴ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید.





الف) سحرگه بلبلی آواز می‌کرد همی نالید و با گل راز می‌کرد

سلمان ساوجی

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

ب) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

خاقانی

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

پ) خوشا از تی خوشا از سر سرودن خوشا نی‌نامه‌ای دیگر سرودن

فیض‌امین پور

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

ت) عزیزم کاسه چشمم سرایت میون هر دو چشمم جای پایت

باباطاهر

			پایه های آوایی
			وزن واژه
			خوشه های هجایی

۵ ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید:

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟ به امید آنکه شاید تو به چشم من در آیی
سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟ که شنیده ام ز گل ها همه بوی بی وفایی

فخرالدین عراقی

الف) ویژگی های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

ب) دو مورد از ویژگی های فکری ابیات را بنویسید.



مجاز

در بیت:

برآشفت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

فردوسی

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی نهاده (حقیقی) دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

مجاز: کاربرد واژه، در معنی **نانهادۀ** (غیرحقیقی) آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت‌وگوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض یخ زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی **نهاده** دارد، به کار برده و آب را که معنای **نانهادۀ** آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی **نانهادۀ** واژه بر اساس «علاقه و پیوند» بین آن معنا با معنای نهاده به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا معنای





نانهاده (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنی نهاده و نانهاده یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای نهاده دور می‌سازد و به سوی معنای نانهاده آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «یخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای نهاده ماه به مفهوم نانهاده‌اش یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی هست که ما را از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌شود.

بیهقی

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم.

جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد. همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

نظامی

معنای نهاده: کوچک‌ترین واحد کلام موزون و شاعرانه؛

معنای نانهاده: سخن شاعرانه.

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به‌طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای نانهاده به کار رفته‌اند:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر غم آمد جهان را از آن کار بهر

فردوسی

معنای تانهاده	معنای نهاده	واژه
مردم حاضر در دشت	صحرا	دشت
مردم ساکن در شهر	نام مکان زندگی	شهر
مردم جهان	دنیا	جهان

در کاربرد معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به کمک رابطهٔ شباهت، به جای واژهٔ دیگر به کار می‌برند. برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است.

از من غمزه دل می‌طلبد غمزهٔ دوست دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد
وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای نانهادهٔ آن «چشم» می‌باشد.

خودارزیابی

۱ معنای نهاده (حقیقی) و نانهاده (مجازی) را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیرآوری چرخ نیلوفری را
ناصر خسرو

ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
سعدی

پ) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
متنوی مولوی



۲ در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید:

(الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهرپندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

تسفیعی گدگتی

(ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

کشف‌الاسرار میبیدی

(ب) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما نرغس او سرمگران کرد

حافظ

(ت) دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

حافظ

(ث) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

تسهیریار

۲ در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید:

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یکدگر گشایی زلف گره گشا را

فروغی بسطامی

۴ بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم وز این درخت همین میوه غم است برم

چامی

۵ وزن واژه بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عقوم مکن ناامید

سعدی



تفصیل کارگاه میل

۱ غزل زیر را از نظر تاریخ ادبیات، سبک شناسی، موسیقی شعر بررسی و تحلیل کنید:

من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی
دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم
شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن
عشق و درویشی و انگشت نمایی و ملامت
گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم
آن نه خال است و ز نخدان و سر زلف پریشان
تو مپندار که سعدی ز کمندت بگیریزد
چون بدانست که در بند تو، خوش تر ز رهایی

سعدی

۲ متن زیر را از نظر زیبایی شناسی بررسی نمایید:

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیورده، درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قنوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

سعدی



فصل سوم

درس هفتم تاریخ ادبیات فارسی در قرن های دهم و یازدهم

درس هشتم پایه های آوایی همسان (۲)

درس نهم استعاره

* کارگاه تحلیل فصل

درس هفتم

تاریخ ادبیات فارس
دورهٔ ساسانیان تا دورهٔ تیموریان

قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود؛ به گونه‌ای که در هر گوشه‌ای حاکمی از آنان حکومت می‌کرد. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره به‌طور کلی و وضع ادبیات نیز، به تبع آن آشفته شده بود. در این سال‌ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت: یکی شعر لطیف و فصیح بابا فغانی که به‌طور طبیعی، شعر حافظ را به سوی سبک دورهٔ بعد یعنی هندی می‌کشاند. دیگری مکتب وقوع که نتیجهٔ چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود، که البته راه به جایی نبرد و بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود.

سیطرهٔ درازمدت مغولان و تیموریان بر سرزمین ایران و ویرانی‌ها و خرابی‌هایی که در همهٔ ابعاد و زمینه‌ها به‌بار آوردند، دانش، فرهنگ و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار داد. بعد از ظهور شاعران بزرگی چون سعدی، مولانا و حافظ در دورهٔ عراقی، به دلیل تسلط طولانی مدت مغول و تیموری، جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی و ادیبان باقی نماند.





سبک عراقی در نیمه دوم قرن دهم به اوج خود رسیده بود. شاعران این دوره تشخیص داده بودند که این سبک از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است و با ادامه پایبندی به سنن ادبی نابود می شود، پس باید به سوی حقیقت‌گویی و واقع‌گویی بازگشت. برای این کار نیازمند پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بود و قالب غزل با توجه به نقش و سابقه کاربردش، اجازه جولان بیشتر در این میدان را نمی داد.

در این دوره از یک سو به دلیل کم‌توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و از سوی دیگر شاعرانوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند، شاعران به دربارهای هند روی آوردند. به همین دلیل با شوق و شور تمام راهی آنجا شدند و برخی از آنان پس از کسب شهرت و ثروت، به ایران بازگشتند. آشنایی با تفکرات و معارف هندوان کم و بیش در تغییر سبک دخیل بود.

فرهنگ هند، در این دوره از فرهنگ ایرانی همچنان تأثیر می‌پذیرفت و فضایی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی و بها دادن به فرهنگ آن، استقبال می‌کردند. شاهان گورکانی هند نیز همگی به فارسی سخن می‌گفتند. زبان فارسی که در شبه‌قاره هند استحکام و استقرار لازم را به دست آورده بود، همه‌گیر و رسمی شد و تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند زبان رسمی آن دیار بود.

هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان نیز که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت و به «مادرشهر» مبدل شد.

به جز اصفهان مناطق دیگر ایران هم رشد و توسعه و شور و جنبشی یافت؛ مثلاً خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به کانون‌های مهمی برای شاعران، هنرمندان و دانشمندان تبدیل شد.

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند و به نوعی علاقه نشان داده‌اند. افزون بر آن، برخی از ایشان مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می‌دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند، علاوه بر این با رؤسای مذاهب



در تماس نزدیک بودند و از طرف دیگر، رقبایی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آنها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان می‌دادند. این عوامل باعث شده بود که به‌طور کلی شعر و شاعری و معماری و انواع هنرها مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه هنرهای چون قالی بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوران صفویه رشد فراوان یافت. بهزاد (در دوره شاه اسماعیل) و رضا عباسی (در دوره شاه عباس) از مفاخر هنرند.

باباغانی شیرازی از شعرای تأثیرگذار این قرن در ایران است که شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.

وحشی بافقی نیز از دیگر شاعران این دوره است که سبک شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.

محتشم کاتسانی از دیگر شاعران این دوره، در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب‌چند عاشورایی او زبانزد است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است...

قرن یازدهم

حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به‌وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود. از این رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند.

وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان درباری باعث شد که طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها ندادن به شعر ستایشی در ایران، موجب شد که شاعران مدیحه‌سرا برای امرار معاش یا ثروت‌اندوزی راهی دیار هند شوند؛ زیرا آنجا به رسم دربارهای قدیم ایران هنوز بازار قصیده و مدح رواج داشت.



رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت و کسب و کار، این امکان را برای همه مردم فراهم آورده بود که هرکس به اندازه توان خود به امور فرهنگی از جمله ادبیات بپردازد.

از طرف دیگر به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا، مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه‌ها نیز دایر شد و شاعران در آنجا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند.

از معروف‌ترین شاعران این قرن می‌توان افراد زیر را نام برد:

کلیم کاشانی که در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و این ویژگی به غزل‌های او لطف ویژه‌ای بخشیده است. ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن او را برجسته ساخته است. وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «خلاق المعانی ثانی» لقب گرفت.

صائب تبریزی معروف‌ترین شاعر سبک هندی و از پرکارترین شاعران فارسی‌زبان است. او در غزل‌سرایی مشهور است و برخی از تکبیت‌های غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آنها مثل ضرب‌المثل رواج یافته‌اند. صائب را خلدون‌دار مضامین تازه شعری دانسته‌اند.

بیدل دهلوی را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم. از ویژگی‌های عمده شعر بیدل، مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.

خودارزیابی



۱ ابیات زیر را از نظر مضمون بررسی کنید:

بخیه کفشم اگر دندان نما شد، عیب نیست خنده می‌آرد همی بر هرزه گردی‌های من
ریشه نخل کهن سال از جوان افزون تراست بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را

صائب تبریزی



۲ زبان فارسی در دوره صفویان چه موقعیت و جایگاهی داشت؟

۳ ویژگی‌های عمده شعر بیدل را با توجه به غزل زیر بررسی کنید:

بر آن سرم که ز دامن برون کنم پا را به جیب آبله ریزم غبار صحرا را
 به سعی دیده حیران دل از تپش ننشست گهر کند چه قدر خشک، آب دریا را
 ز خویش گم شدنم کنج عزلتی دارد که بار نیست در آن پرده وهم عنقا را
 زبان درد دل آسان نمی‌توان فهمید شکسته‌اند به صد رنگ شیشه ما را
 فضای خلوت دل جلوه‌گاه غیری نیست شکافتیم به نام تو این معما را
 چه سان به عشرت واماندگان رسی بیدل به چشم آبله پا ندیده‌ای ما را

بیدل دهلوی

۴ چه عواملی موجب شد شاعران ایرانی به دربارهای هند روی آورند؟

۵ محتشم کاشانی در چه نوع و قالب شعری معروف است؟ در این مورد توضیح دهید.

۶ در قرن هشتم تأثیرپذیری از گذشتگان چگونه در شعر خواجه‌ی کرمانی و حافظ جلوه‌گر شد؟

۷ بیت زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد

حافظ

الف) یک مجاز در آن بیابید و معنای نهاده و نانهاده را در آن مشخص کنید.

ب) بیت را تقطیع هجایی کرده و پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید.



پایه‌های آوای همسان (۲)

آموختیم که برای درک پایه‌های آوایی شعر، هر دسته از هجاها یا خوشه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم. یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاها را مشخص می‌کنیم. پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، «وزن واژه‌های» هر پایه را مشخص می‌کنیم. نکته مهم در این دسته‌بندی هجاها، نوع نظم آن است. در درس گذشته با دو نمونه از پایه‌های آوایی همسان، آشنا شدیم. اکنون، دیگر وزن‌های همسان را فراموشی نمی‌کنیم.

غمش در نهان خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

طیب اصفهانی

غَمش دَر	نَهان خا	نَازی دِل	بِه‌شِی نَد
بِه‌نازی	کِه لیلی	بِه‌مَحمل	بِه‌شِی نَد

پس از خوانش درست بیت، و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کرده‌ایم. هر مصراع این بیت از چهار پایه همسان تشکیل شده است.



وزن واژه این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم این هجاها را بهتر نشان دهیم، خوشه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

پایه‌های آوایی	غَمَش دَر	نَهانِ خا	نِ یِ دِل	نِ شِ نَد
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن
خوشه‌های هجایی	لـ	لـ	لـ	لـ

به بُرش پایه‌های آوایی و خوشه‌های هجایی، بیت زیر، توجه کنید:
خدایا به خواری مران از درم که صورت نهند دری دیگرم

سعدی

پایه‌های آوایی	خُدایا	بِخاری	مَرا نَز	دَرَم
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فَعْل
خوشه‌های هجایی	لـ	لـ	لـ	لـ

نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است و هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند به صورت یکسان از بی هم آمده‌اند؛ اما تعداد هجاهای پایه‌های این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، «وزن واژه» این بیت نیز «فعولن» است، ولی یک هجا از خانه آخر آن حذف شده است. بنابراین در هر یک از این وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای



چهار پایه، سه پایه یا خانه خواهد داشت. اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقت کنید:
 گرجان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند وین عالم بی اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند
 مولوی

مَجر جَانِ عَا	شِیقِ دَمِ زَنْد	آتِشِ دَرِین	عَالَمِ زَنْد
وین عالمِ مِ	بی اصل را	چُنْ ذَرِیْهَا	بِرْهَمِ زَنْد

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده است. به بیان دیگر، هر مصراع را به بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی جدا کرده‌ایم. «وزن واژه» این بیت، «مستفعن» (تن تن ت تن) است.
 برش پایه‌های آوایی و خوشه‌های هجایی بیت، به شکل زیر است:

مَجر جَانِ عَا	شِیقِ دَمِ زَنْد	آتِشِ دَرِین	عَالَمِ زَنْد	پایه‌های آوایی
وین عالمِ مِ	بی اصل را	چُنْ ذَرِیْهَا	بِرْهَمِ زَنْد	
مستفعن	مستفعن	مستفعن	مستفعن	وزن واژه
--- ل---	--- ل---	--- ل---	--- ل---	خوشه‌های هجایی

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان، گفته‌ایم، پایه‌های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد:



برای نمونه به نظم هجاهای همسان این بیت، توجه کنید:
 یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم

موازی

پایه‌های آوایی	یا رُ شُدَم	یا رُ شُدَم	یا غَم تُو	یا رُ شُدَم
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
خوشه‌های هجایی	— ل ل ل —	— ل ل ل —	— ل ل ل —	— ل ل ل —

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهارتایی نظمی همسان دارد. «وزن واژه» این بیت، «مفتعلن» (ت ن ت ت ن) است. به شعر زیر، دقت کنید.

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده‌ای، مرحبا

سعدی

پایه‌های آوایی	ای نَفَس	خُرَمِ بَا	دِ صَ بَا
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	— ل ل ل —	— ل ل ل —	— ل ل —

نمونه بعد هم از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش خوشه‌های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب می‌شود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه» «فعلاتن» (ت ت ن ت ن) است.



تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار تنایی

سنایی غزنوی

تُ حَکِی می	تُ عَظِی می	تُ کَری می	تُ زَحِی می	پایه‌های آوایی
تُ تَما یَند	دِی فَضَلی	تُ بَدا وا	رَ تَ نایی	وزن و آژه
فَعَلاتِن	فَعَلاتِن	فَعَلاتِن	فَعَلاتِن	خوشه‌های هجایی
لـاـلـلـ	لـاـلـلـ	لـاـلـلـ	لـاـلـلـ	

خودارزیابی

۱ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و آژه و خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها، جای دهید:

الف) بخندد همی باغ چون روی دلبر بیوید همی خاک چون مشک اذفر^۱

رودکی

				پایه‌های آوایی
				وزن و آژه
				خوشه‌های هجایی

۱. اذفر: خوشبو



ب همین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود وارهد از حد جهان، بی حد و اندازه شود

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن‌واژه
				خوشه‌های هجایی

پ در یادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند

حمید سبزواری

				پایه‌های آوایی
				وزن‌واژه
				خوشه‌های هجایی

ت سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا وز من رها سازد مرا بیگانه از خویشم کند

رهی معیری

				پایه‌های آوایی
				وزن‌واژه
				خوشه‌های هجایی



ت) ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما

نظامی

			پایه‌های أویبی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

ج) سعادت به بختشایش داور است نه در چنگ و بازوی زورآور است

سعدی

			پایه‌های أویبی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

چ) جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را و رقصم آزارم کنی، هرگز نیازم تو را

انوری

			پایه‌های أویبی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی



ح) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه اسمنند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی

سعدی

				پایه‌های آوایی
				وزن و اژه
				خوشه‌های هجایی

۲ غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود
 نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل تشنه را آب محال است که از یاد رود
 نتوان از سر او برد هوای شیرین لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود
 کاش چون شمع همه سرشود اعضای کلیم تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در آن مشخص کنید.

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید و قرینه را در آن بیابید.



استعاره

در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه پیوند بین معنای نهاده و نانهاده علاقهٔ مشابهت است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. استعاره، یعنی عاریت و وام‌گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ برای مثال:

با کاروان حله برفتم ز سیستان با حلهٔ تنیده ز دل بافته ز جان

فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دو بار کلمهٔ حله را به کار برده است. در مصراع اول حله در معنای نهاده (جامهٔ حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به فرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان در معنای نانهاده (شعر) به کار برده است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامهٔ حریر و شعر بوده است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه به (حله) را به جای آن آورده است.



همچنین در مثال:

آتش است این پانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد

مواوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبه به را آورده است که از آن پی به مشبه می‌بریم. یا در بیت:

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی باز ای سپیده شب هجران، نیامدی

شهریار

محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبه به) به جای آن آمده است.

در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبيت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم: گفتی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تাকش آویخته.

گلستان سعدی

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبه) حذف شده و به جای آن خرده مینا آمده است. همچنین خوشه انگور (مشبه) حذف شده و به جای آن عقد ثریا آمده است.

برای ساده‌تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهارگانه آن به استعاره را می‌توان چنین ترسیم کرد:

تشبیه گسترده - مشبه ادات تشبیه وجه شبه مشبه به

تشبیه فشرده - مشبه مشبه به

استعاره - مشبه به / مشبه



با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبه به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اما اگر مشبه به همراه ویژگی مشبه به یا فقط مشبه به باقی بماند، استعاره به وجود می‌آید.

به این نمونه بنگرید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید / از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نظامی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» اند. مثال دیگر:

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من / هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سعدی

سرو روان: استعاره از یار است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / سرباز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و سرو روی ما می‌شیند.

شاملو

همانطور که در نمودار ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبه به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود / یکی چنان که در آئینه تصور ماست

انوری



زمانه (مشبّه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبّه آمده است.

گاه در این نوع استعاره مشبّه موجودی بی‌جان و غیر انسان و مشبّه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش جان بخشی یا تشخیص در کلام می‌شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد
مولوی

در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می‌کند و سرو مانند انسان قیام می‌کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند.
مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگریاره جوان خواهد شد
حافظ

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده‌ایم؛ و این نیز از همان نوع تشخیص است؛ مثال:

ای آبشار نوحه‌گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده ز اندوه کیستی؟
زبیاالنساء

ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیده‌ای ما آن شقایقیم که با داغ زنده‌ایم
حافظ

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
حافظ

ای سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده‌ام
زهی معیری

بشکن دل بی‌نواي ما را ای عشق این ساز شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است
سیدحسن حسینی



گاه نیز رکن ذکر شده (مشبّه) به ویژگی رکن مخدوف (مشبّه‌به) اضافه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی می‌آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری می‌گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «زلف سخن» در بیت زیر چنین‌اند:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

حافظ

خود ارزیابی

۱ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

الف کی‌ام؟ شکوفه‌اشکی که در هوای توه‌رشب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم

اوستا

ب ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی بیوند روح کردی پیغام دوست دادی

سعدی

پ ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

وحشی بافقی

ت هر کاه نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید، در رهگذار باد نگهبان لاله بود

حافظ

ث شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره من

سیمه‌ری

ج آینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟ چون که زنگار از رخس ممتاز نیست

مولانا

ح دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

حافظ



۲ تشبیه را که در بیت زیر به کار رفته‌اند بیابید و از آنها یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید:

دگر باره خیاط باد صبا بر اندام گل‌دوخت رنگین قبا

ملک الشعرای بهار

۲ استعاره را در بیت زیر بیابید و آن را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشاید زاله صبحدم از نرگس تر بگشاید

خاقانی

۴ ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن و آهنگ بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم اوّل و آخر این کهنه کتاب افتاده است

کلیم کاشانی



تحلیل کارگاه ادبی

۱ غزل زیر را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

جان به لب دارم و همچون صبح خندانیم ما
دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی آید برون
در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
پشت چون آینه بر دیوار حیرت داده ایم
واله خار و گل این باغ و بستانیم ما
از شیخون خمار صبحدم آسوده ایم
مستی دنباله دار چشم خوبانیم ما
خرقه از ما می ستاند نافه مشکین نفس
از هواداران آن زلف پریشانیم ما
حلقه چشم غزالان حلقه زنجیر ماست
دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما
چون ز بخت تیره دائم در شبستانیم ما

صائب

الف) ویژگی های شعر صائب را در غزل بررسی کنید.

ب) شعر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل نمایید.

پ) وزن شعر را بنویسید.

۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های فکری بررسی نمایید:

«مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد».

نجم‌الدین رازی



فصل چهارم

سیکشناسی قرن های ۱۰ و ۱۱ (سیک هندی)

درس نهم

پایه های لوبی همسان دولختی

درس یازدهم

کنایه

درس شانزدهم

• کارگاه تحلیل فصل

درس دهم

سبک‌هندی

شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر با آموزه‌های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک‌اندیشی روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت. این تحوّل از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرد، حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زبان‌بار بود.

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:



**۱. زبانی**

الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم - که عمدتاً آموخته‌های ادبی نداشتند - به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

ب) دایرة واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت برپست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی‌درپی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد و فضلاً دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مانوس نبودند.

دومین دلیل حذف مختصات سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم برهیز می‌کردند؛ چرا که شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود و بنابراین به کار نگرفتن زبان شعری قدما را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران بزرگ سبک هندی محسوب کرد. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... را که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

پ) یکی دیگر از نکات قابل توجه در زبان شعر این دوره ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب است.

ت) در این دوره از یک سو با از بین رفتن سلطه حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان، به رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی منجر گردید؛ به خصوص که سلاطین صفوی هم در برابر ترکی سخن می‌گفتند.



ث) زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

۲. ادبی

الف) در سبک هندی به دلیل کم‌توجهی شاعران کوچک و بازار به آرایه‌های ادبی، به بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد؛ (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک‌اند.

ب) قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. سببش آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک‌بیت‌گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر این ابیات مستقل را به وسیله رشتۀ قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیمی به شعر نمی‌زند.

پ) استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهیم‌شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و ...

۳. فکری

الف) شعر هندی شعری معنی‌گراست؛ نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه



دارند تا به زبان معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد، او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره به دنبال مضمون‌سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده کردند؛ اما اینها همه در سطح‌اند و به خلق آثار معنایی بزرگی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی مولانا یا آثار عطار و سنایی و نظامی منجر نشده‌اند.

ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تکبیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش‌تر نمی‌رود و نهایت اینکه تخسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی‌انگیزد.

پ) کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود و گاهی آن را با وجود داشتن ابهام، قابل درک‌تر و خلاصه‌تر بیان کرده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته، و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

نثر دوره هندی

نثر کتاب‌های این دوره سه نوع است:

۱ ساده

مراد از نثر ساده در این دوره نثر مرسلی نیست که امثال بلعمی می‌نوشته‌اند، در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر کم نیست، کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده‌اند:

الف) کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده‌اند:

- کتب داراشکوه در هند
- شرفنامه بدلیسی در عثمانی
- بدایع الوقایع در ماوراءالنهر



(ب) کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند:

در تاریخ:

- تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی؛
- عالم آرای صفوی از اسکندر بیگ منشی؛

در عرفان:

- عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی؛

در زندگی‌نامه:

- هفت اقلیم از امین احمد رازی؛
- مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری؛

در فقه:

- جامع عباسی از شیخ بهایی.

۲ مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنان که دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب‌القلوب میرزا برخوردار قراهی است.

نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی‌توقی و غلط‌پردازی است.

۲ بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسندگان در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب‌السیر از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن بیگ روملو است.





ویژگی‌های نثر این دوره

برخی از ویژگی‌هایی که کم و بیش در هر سه نوع نثر این دوره وجود دارد، عبارت‌اند از:

الف) قلمرو زبانی

- ۱ در آمیختگی نظم و نثر؛
- ۲ کاربرد وجه وصفی؛
- ۳ جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلان‌ات) و هم در ترکی و مغولی (بیلاقات)؛
- ۴ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛
- ۵ آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه‌پردازی و موازنه؛
- ۶ آوردن جملات طولانی؛
- ۷ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد؛
- ۸ فراوانی لغات ترکی و مغولی.

ب) ادبی

نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و اگر بخواهند متنی ادبی بنویسند، تصنعی و باتکلف خواهد بود. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد و ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی‌روح بدل گردید.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر - که غالباً سروده خود مؤلفان است - رواج داشت، به علاوه بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخت. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.



پ) فکری

تأثیر فساد و تیره‌بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته‌جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته‌شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه اینها بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی؛ یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند.

خودارزیایی

۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

روزگاری شد ز چشم اعتبار افتادهم	چون نگاه آشنا از چشم یار افتادهم
دست‌رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز	چون گل پژمرده بر روی مزار افتادهم
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی	نبض موجه، در تپیدن بی قرار افتادهم
عقد‌های هرگز نکردم باز از کار کسی	در چمن بیکار چون دست چنار افتادهم
همچو گوهر گردلم از سنگ گرد دور نیست	دور از مژگان ابر نوبهار افتادهم

صائب تبریزی

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری

۲ بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

الف) ای گل که موج‌خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریه تلخ گلاب را

صائب تبریزی



ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوبها

صائب تبریزی

۳ سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

۴ در مورد دلیل نگارش کتابهای لغتنامه در دوره هندی تحلیل کنید.

۵ بیت زیر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل کنید:

ز منجنيق فلک سنگ فتنه می‌بارد پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

عرفی شیرازی

۶ وزن بیت زیر را بررسی کنید:

تو این عهده‌ی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی

طالب املی

۷ متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های سبک هندی " زبانی و ادبی " بررسی نمایید.

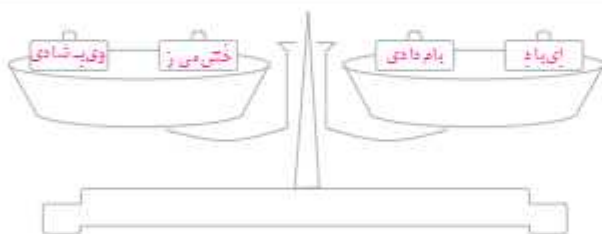
از طبقه‌علیه شعرا که ناظران مناظرم سخن‌پیرایی و پیرانه‌بندان سلسله معنی آرای اند در آن هنگام در اردوی معلا و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت‌گستر بی‌شمار بودند در لوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان



درس یازدهم

پایه آوریم دوستی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنا شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی
سعدی

ای باد	بام دادی	خُش می ز	وی به شادی
--------	----------	----------	------------

پیوند	روح کردی	پیغام	دوست دادی
-------	----------	-------	-----------





می‌بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لُختی است، یعنی دو واژه با هم، پایهٔ آوایی و «وزن واژه» به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایهٔ همسان، حاصل نشده است، بلکه یک پایه، یک درمیان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. موسیقی و آهنگ پارهٔ دوم، تکرار همان موسیقی پارهٔ نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولُختی یا «دُوری» نامیده می‌شود. در این وزن، میانهٔ هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گسست آوایی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولُختی، وزن واژه‌ها و خوشه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

پایه‌های آوایی	ای با دِ	یا مِ دا دِی	خُش می زَ	وی بِشَا دِی
وزن واژه	مفعولُ	فاعلاتن	مفعولُ	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	U --	-- U --	U --	-- U --
	بی وَنِ دِ	روحِ کَر دِی	پیدِ غامِ	دو سَت دا دِی

این شعر، چهار پایهٔ آوایی دارد. هر مصراع آن از دو پارهٔ همسان تشکیل شده است. اگر هجاهای این شعر را به دسته‌های (سه تایی یا چهار تایی) تقسیم کنیم نظم و آهنگ آن از دست می‌رود.

توجه:

این وزن، برپایهٔ برش هجایی «دستهٔ سه تایی — چهار تایی»، به دست آمده، اگر هجاها را به شیوهٔ چهار تایی — سه تایی، دسته‌بندی کنیم، وزن واژهٔ «مستفعلن فاعولن» به دست می‌آید.

در نظم همسان دو لُختی، هر مصراع از دو پارهٔ همگون تشکیل می‌شود. در این نوع

وزن، هر مصراع در حکم یک بیت است. هجای پایان نیم مصراع، تابع قوانین هجای پایان مصراع است. بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می آید.

به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

سعدی

مِ بَ لاسْت	خَلَقِي يَ دَا	مُوي دُوسْت	بِيْلِ بِي لِي
مَ جَ راسْت	فَارِغَ زِين	خَلَقِي نِيَسْت	هَر كِ ذَرِين

می بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست»، هجای کشیده است، اما در این شعر به صورت یک هجای بلند محسوب می شود.

اکنون که پایه های آوایی این شعر را درک کرده ایم، آن را یک بار دیگر، با وزن واژه ها و خوشه های هجایی، نشان می دهیم:

مِ بَ لاسْت	خَلَقِي يَ دَا	مُوي دُوسْت	بِيْلِ بِي لِي	پایه های آوایی
مَ جَ راسْت	فَارِغَ زِين	خَلَقِي نِيَسْت	هَر كِ ذَرِين	وزن واژه
فاعِلن	مفْتَعِلن	فاعِلن	مفْتَعِلن	خوشه های هجایی
— U —	— U U —	— U —	— U U —	

وزن واژه این بیت، «مفْتَعِلن فاعِلن // مفْتَعِلن فاعِلن» است.



به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرکن هان ایوان مداین راه آینه عبرت دان

خاقلاتی

ها نی د	ل عبرت بین	از دید	ع برکن هان
ای وان	مدا بین را	آیند	ی عبرت دان

پایه‌های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است. همین بیت را با وزن واژه‌ها و خوشه‌های آوایی نشان می‌دهیم:

پایه‌های آوایی	ها نی د	ل عبرت بین	از دید	ع برکن هان
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U --	U -- --	U --	U -- --

آهنگ این شعر نیز از دو پایه، تشکیل شده است؛ پایه دوم تکرار پایه نخست است. به بیان دیگر وزن این شعر از تکرار دو پایه متفاوت، به صورت دو بار در هر مصراع تشکیل شده است. «وزن واژه» این بیت، دوبار «مفعول مفاعیلن» در هر مصراع است، که وزن همسان دولختی (دوری) به شمار می‌آید.

توجه:

این وزن، برپایه برش هجایی دسته «سه تایی — چهارتایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوه «چهارتایی — سه تایی»، دسته‌بندی کنیم، وزن «مستفعل مفعولن» به دست می‌آید.



در این دسته از وزن‌ها، دو لَخت با هم یک واحد موسیقایی یا وزن واژه به شمار می‌آیند؛ یعنی در اینجا هر مصراع چونان دو کفۀ ترازو است که باید واحد موسیقایی هم‌سنگی داشته باشد.

آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را، می‌توان به گونه‌ی زیر نشان داد:

همسان تک پایه‌ای: الف الف الف الف = □□□□

همسان دولختی: الف ب // الف ب = □Δ // □Δ

افزون بر این وزن‌ها، در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد که در دوره‌های تحصیلی بالاتر با آن آشنا خواهید شد. مانند بیت زیر:

تادل هرزه گردمن رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

حافظ

وزن واژه‌ی بیت زیر «مفتعلن مفاعلهن» است:

پایه‌های اولی	تا دِ لِ هَر	ز مَردِ مَن	رَفت بَ چِی	نِ زُلفِ او
وزن واژه	مفتعلن	مفاعلهن	مفتعلن	مفاعلهن
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U - U	- U U -	- U - U

خودارزیابی

۱ کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هریک، وزن واژه‌های آن را بنویسید:





(الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم

بیهمتی

(ب) درودی چو نور دل پارسایان بدان شمع خلوتگه پارسایی

حافظ

۲ در نمونه‌های زیر، بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:

(الف) الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از لبم می‌تراود

قیصر امین پور

(ب) آیینۀ سکندر، جام می‌است بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

حافظ

(پ) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

سعدی

(ت) چو دل بر نهی بر سرای کهن کند ناز و ز تو بپوشد سخن

فردوسی

۳ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات

زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

مولوی

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانۀ سلامت روزی تفقّدی کن درویش بینوا را

حافظ

۴ بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید.

ای دوست شکر خوشتر یا آن که شکر سازد؟

ای دوست قمر خوشتر، یا آن که قمر سازد؟

مولوی

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

۵ برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌های بالا نمونه‌ای بیابید و بنویسید:

(الف) مجاز:

(ب) استعاره:

(پ) تشبیه:

۶ بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.



درس دوازدهم

کنایه

کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همان‌طور که استعاره بر بنیاد مشابهت استوار بود، در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن می‌توان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزوم یکدیگر هستند و با دقت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشنده‌ای است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.



به این بیت توجه کنید:

همت مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی‌رونی کردن» راهنمایی می‌شود.

چند مثال دیگر:

● سخن او بر سر زبان‌ها افتاد.

● زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

جامی

● اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می‌شکافتند.

فیه مافیہ مولوی

● بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می‌روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود

سعدی

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می‌شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای



مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.

فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می‌دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جویبارها

علامه طباطبائی

در این بیت گل‌ها استعاره از شهیدان است؛

اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش

صائب

عبارت‌های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در یافت کلام و عبارت آمده‌اند.

چند کنایه دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»

دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»

ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»





خود ارزیابی

۱ کنبه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

(الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.

گلستان سعدی

(ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بالا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید.

کشف‌الاسرار میدی

(پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آینه بود میل تماشا شدن نداشت.

سلمان هراتی

(ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنچه که باشم خفته در خاک.

نظامی

(ث) در هر طرف زخیل حوادث کمین گهی است زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر.

حافظ

(ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیرد و گوید چرا به فرق نیویی.

سعدی

۲ مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

(الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت.

فردوسی

(ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو.

مولوی

(پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من.

حافظ





۱) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

کلیم همدانی

۲) در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را توضیح دهید.

الف) پیش دیوار آنچه گویی هوشدار تا نباشد در پس دیوار گوش

سعدی

ب) بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نیندد هوشیار

سعدی

ب) عشق دریایی کرانه ناپدید کی توان کردن شنا، ای هوشمند!

رابعه بنت کعب

ت) از در آمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم

سعدی

ث) الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک بر داشتن دشوار است.

حسن زاده آمدی

ج) در سلطان و شه را روزها بیهوده گوید دگر دزکوی شاه خود کنم خاکی به سرمشب

مجنوی

۴) ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید.

۵) وزن بیت زیر را بیابید:

زنده به بوی توام، بوی ز من وا منگیر تشنه روی توام، باز مدار از من آب

عراقی

تفصیل کارگاه ویرایش

۱ دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست	هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلیم	که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت	به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش	جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریز	به دوستی که غلطمی بردگمان ای دوست

سعدی

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها

تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها

آتش فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو

هم مغرب ادب‌ارها، هم مشرق اقبال‌ها

پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما

آینه‌کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها



با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی
 شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
 هر شب گواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای
 هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غریبال‌ها
 هر چند صائب، می روم سامان نومی‌دی کنم
 زلفش به دستم می دهد سررشتهٔ آمال‌ها

صائب تبریزی

الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

۲ در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید:
الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

قیصر امین پور

ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در
 گل از گل دل کرد.

مرصاد العباد

پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.

صحیفه سجادیه

ت) مه طاسک گردن سمندت شب طره پرچم سیاهت
 چرخ ار چه رفیع، خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راهت

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست

حسین منزوی





۲ مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

الف) عالم از شور و شر عشق می‌ادا خالی فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

حافظ

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

سفالی اصفهانی

پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

سعدی

۴ در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی مانده از تشبیه است؟

الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد

بهار عارضش خطی به رنگ ارغوان دارد

حافظ

ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

سنایی

۵ در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایه آن را بنویسید.

الف) به تیغم گر گُشد، دستش نگیرم وگر تیرم زند منت پذیرم

حافظ

ب) یکی نغزبازی کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

فردوسی



۶ آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید:

الف) داغ است دل لاله و نیلی است برسرو / کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند

محمد تقی بهار

ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر / او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

حسین منزوی

پ) این نعمة محبت بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

شفیعی کدکنی

ت) الهی، عقل گویند: الحذر، الحذر؛ عشق گویند: العجل، العجل.

آیتاله حسن زاده آملی

ث) از دیده گرسررشک چو باران چکد، رواست / کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

حافظ

ج) روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی / ماه شب‌افروز تویی، ابرشکر بار بیا

مولوی

چ) چون در این آیات تأمل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند، درخت معرفت به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.

کشف الاسرار میبدی

ح) دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودت / به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

سعدی

خ) تو قامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته‌است در آغوش آسمان / بالایی ای درخت

سیاوش گسرای

د) جهان را سر به سر آینه می‌دان / به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان

شیخ محمود شبستری

ذ) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.

اخوان ثالث

ر) ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ / بوی تو می‌گشدم، وقت سحر به بوستان

صائب

ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل / یک روز خنده کردم و عمری گریستم

شهریار

ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد / این رشته را به نقد جوانی خریدام

رهی معیری

۷ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آنها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف) اگر تو ز آموختن سر نتایی / بجوید سر تو همی سروری را

ناصر خسرو





ب) در هوائت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب **مولانا**

۸ با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن و واژه آنها را بنویسید:

الف) ز چشم شوخ تو جان کی توان برد که دائم با کمان اندر کمین است **حافظ**

ب) نمیرم از این پس که من زنده ام که تخم سخن را پراکنده ام **فردوسی**

۹ با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد
چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم

قیصر امین پور

بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم
.....
بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم	بِ مِی دَانِم

۱۰ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و واژه و خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید:

الف) باز آمدم باز آمدم، از پیش آن یار آمدم در من نگر، در من نگر، بهر تو غمخوار آمدم

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده **نظامی**

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه
				خوشه‌های هجایی

۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

الف) از نظرت کجا رود، و روبرو دتو هم‌رهی رفت و رها نمی‌کنی، آمد و ره نمی‌دهی

سعدی

ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

رهی معیری

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

الف) درسینه‌ام دوباره غمی جان گرفته‌است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

سلمان هراتی





ب بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها

سنایی

ب هر دم از این باغ بری می رسد تازه تر از تازه تری می رسد نظامی

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن واژه و خوشه‌های هجایی آن را بنویسید:

الف دائم گل این بستان، شاداب نمی ماند در باب ضعیفان را در وقت توانایی

سعدی

ب هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست مابه فلک می رویم، عزم تماشا که راست

مولوی

ب غمناک نباید بود، از طعن حسود ای دل شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد

حافظ

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

نیایش

خدایا، کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری در گوش کرد؟
خدایا، کدامین کهکشان بر گرد تو گشت و واله و حیران تو نگشت؟
معشوقا، کدامین انسان، پیشانی عشق بر خاک ربوبیت تو سایید و دل به دیگری سپرد؟
ای آرزوی دل‌های آرزومندان؛ ای اشتیاق مشتاقان؛ ای امید امیدواران؛ ای عشق عاشقان؛
آتش عشقت را در خرمن وجودم بیفکن، سبزینه محبت را در برگ‌های به زردی گراینده وجودم بدوان.
خدایا، به من نگاهی ده که جز روی تو نتواند دید و گوش‌ی که جز صدای تو نتواند شنید.

امام سجّاد (ع)

منابع

- ارایه‌های الهی، هادی، روح‌اللمه، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، نشرات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- آموزش عروض و قافیه از دریچه پرسش، هادی، روح‌اللمه، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- ابیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نثر الهی)، توره پدش دانشگاهی، وحیدیان کفیلار، تکی، زرین کوبه عبدالعسین و زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- الهی نامه، عطار نیشابوری، فریدالدین، به تصحیح محمدرضا تقی‌مندی کدکنی، تهران.
- بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)، زمیانیان، عبدالنور، نشرات فکر روزه، چاپ بنیاد جلیلیان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- بهارستان، جاسی، عبدالرحمن، به کوشش اسماعیل حاکمی، نشرات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
- تاریخ ابیات ایران، رهازاده نقی، صابق، نشرات دانشگاه تبریز، ۱۳۴۴.
- تاریخ ابیات در ایران، عسقلانی، بیخ‌الله، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲.
- تاریخ ابیات ایران و جهان (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)، بانقی، محمدرضا، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- حافظنامه، خرمشاهی، بهادالدین، نشرات علمی فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حدیقه الحقیقه، سنایی، ابوالفضل مجدودی، آذر، به تصحیح محمدرضا مدرس رضوی، نشرات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
- خمسه نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، نشرات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- درقلعه و زبان فارسی، وحیدیان کفیلار، تکی، نشر محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- دیوان اشعار حافظ، تمسک الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قدس‌مغنی، زواره، تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان اشعار خاقانی شروانی، به کوشش عبدالنور سجادی، زواره، تهران، ۱۳۵۷.
- دیوان اشعار عطار نیشابوری، فریدالدین، به کوشش تکی نقی‌نقلی، نشرات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- دیوان اشعار متوجه‌په‌ری دامغانی، محمد دبیرسیاقی، نشر زواره، تهران، ۱۳۷۵.
- دیوان اشعار ناصر خسرو، به کوشش مهدی محقق، نشرات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- دیوان غزلی، به اهتمام محمد تکی مدرس رضوی، نشرات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- دیوان جامی، نورالدین عبدالرحمن، با مقدمه و تشریح محمد روشن، نشرات نگاه، ۱۳۸۰.
- دیوان خاقانی، تصحیح عبدالنور سجادی، زواره، تهران، ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی غزلی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، نشرات سنایی، تهران.
- دیوان شمس کبیرپه‌ری، با مقدمه و بیخ‌الزمان فروزفر، حوکنی و تعلیقات م. دریش، نشرات چاپ‌اندان، ۱۳۷۱.
- سبک‌شناسی یا تاریخ ظهور نثر فارسی، بهار، محمدرضا، نشر زواره، تهران.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، نشر خیزران، تهران، ۱۳۷۷.
- شاهنامه فردوسی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، نشرات علمی، ۱۳۶۱.
- عروض فارسی (شبه‌های نوین) آموزش عروض و قافیه، (ملیاری، عباس)، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- صور خیال در شعر فارسی، تقی‌مندی کدکنی، محمدرضا، نشرات نگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- فارسی عمومی، فتوحی، محمود، نشرات سخن، تهران، چاپ نهم و پنجم، ۱۳۹۰.
- فتوح بلاغت و صناعات الهی، همایی، جلال‌الدین، مؤسسه نشر همدان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، نشرات فردوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶.



- کلیات سعیدی، سعیدی شیرازی، ابومصطفی شرف‌الدین مصباح، به کوشش محمدعلی فروغی، عباس قبال آشتیانی، نشر جلودان، تهران، ۱۳۷۱.
- کلیات دیوان وحشی بافقی، با تصحیح محمد عباسی، نشر فخر رازی، ۱۳۶۸.
- کلیات سوگنامه عاشق‌نورایی فدایی، فدایی عازنداری، میرزا محمود، به کوشش فریدون اکبری بیلمر، نشرات فرزان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- کلیاه و هفتاد، نشان ابولعلمی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، نشرات فیر کبیر، چیبست و پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
- گنج سخن شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثارشان (صفا، فریح الله، نشرات گنج‌نوس، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- گنجینه سخن (پارسی نویسان بزرگ و منتخب آثارشان (صفا، فریح الله، نشر فیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۴۳.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، تصحیح لیگلتن، با مقدمه قلمعلی سزایی، نشرات بهزاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- مجموعه آثار فخرالدین عرقلی، به تصحیح و توضیح مجتبی (خرزایی)، نشرین، نشرات تراز، ۱۳۷۲.
- مجموعه کامل اشعار فیض‌المرین پور، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمد رضا، نشر آگانه، تهران، ۱۳۶۸.
- نیایش نامه، برگزیده‌های ژانیش‌های ایران و فرهنگ‌ها، رضا بقریان، تهران مؤسسه فرهنگی بین - پژوهی نشر ۱۳۷۸.
- وزن شعر فارسی، خنلری، برپوز، نشرات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کفیار، تنی، نشرات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمد رضا، نشر آگانه، تهران، ۱۳۶۸.

پسندم تعالی

سازمان پژوهش و برتره‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سلسله تحول آموزش و پرورش و برتره‌ریزی علمی، مشارکت معلمان را به عنوان سیاست اجرایی مهم دنبال می‌نماید. برای تحقق این فریاد پهلر معنوی هوشمندانه از فرصت‌های فناوری‌های نوین در قلمی نوآورانه سلفه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های نونگاست راه‌نمایی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاست کیفیت تولیدات سازمان را بهبود بخشیده و محتوای کتاب‌های درسی را در اولین چاپ بسیاری با کترین اشکال به‌دانش آموزان و معلمان ارجمند تقابلی نماید. در انجام مطلوب قرآیند اعتبارسنجی همکاران گروه تحول محتوای آموزشی و پرورشی، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه رهبری دروس در استان‌ها، شورای همدانگی تألیف دکتر، دبیرخانه پروژه اعتبارسنجی سازمان در همدانگی و اجزه نقش سازنده‌ای را داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش همکاران شرکت‌کننده در قرآیند اعتبارسنجی، اسامی دبیران و همدانگاران که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌نماید.

مخمس یاهو

عشاور معاون وزیر و مدیر پروژه اعتبارسنجی

اسامی دبیران و همدانگاران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب علوم و فنون (ب) کد ۱۱۱۲۰۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	نوردد تبرکی	گرمستان	۱۵	نوردد آه سالقو	گرمستان
۲	پنوب یارما	سیستان و بلوچستان	۱۶	عبده احمدی بیگنی	قم
۳	حبیه موسوی	شهرستان‌های تهران	۱۷	فاطمه چندی	خوزستان
۴	مخمس مردانی	فارس	۱۸	هادی دلمی	همدان
۵	نصهار یرمنگاری	همدان	۱۹	احمد رحیم خانی سعادی	چهارمحال و بختیاری
۶	بتیر خلوی	بوشهر	۲۰	مریبه فطرس	شهرستان‌های تهران
۷	طیبه فلسفی	هرمزگان	۲۱	علی‌آقبر آقووه	یزد
۸	زهرا علیزاده	آذربایجان شرقی	۲۲	بیروز عبیدی	ایلام
۹	زینت طویلی	خراسان شمالی	۲۳	منصوره فکور زیبا	خراسان جنوبی
۱۰	چینی زارع بیته	فارس	۲۴	علیرضا احمدی	هرمزگان
۱۱	عدانله زارعی	بوشهر	۲۵	بهرام تجموری	اصفهان
۱۲	بیروز بماندانی	آذربایجان شرقی	۲۶	محمدصادق فلاحتی زنده دل	گیلان
۱۳	حنیچه نشن فرده بانج	شهریزاران	۲۷	گورش فلاحتی	کیلیکویه و بویراحمد
۱۴	مریبه محمودی	خراسان جنوبی			

